

سخن سردبیر!

## در دفاع از اصول پایه‌ای سازمان آزادی زن!



اند و احساس امنیت نمی‌کنند. پس از این نامه نیز چند نفر دیگر در یادداشت‌های

سازمان آزادی زن این روزها خود را برای برگزاری موفق و پر شکوه ۸ مارس روز جهانی زن آماده می‌کند. تلاش می‌نماید که با یک سازماندهی جدی به پیشواز این روز تاریخی برود. این روز باید گسترده‌تر، رادیکال‌تر، و متناظر با اهداف جنبش آزادی برگزار شود. اما متأسفانه این روزها سازمان آزادی زن در مقابل یک چالش جدی قرار گرفته است و به نظر من این تقابل و چگونگی پاسخگویی به آن می‌تواند سرنوشت سازمان آزادی زن را برای آینده رقم زند.

هفته گذشته دو تن از اعضای شورای مرکزی سازمان آزادی زن طی نامه‌ای خواهان اخراج اسماعیل مولودی از شورای مرکزی سازمان آزادی زن شدند. دلایل ارائه داده شده در این نامه اساساً مسائل و مباحثی است که اخیراً در حزب کمونیست کارگری ایران اتفاق افتاده است و بخشی از آن نیز در سطح علنی منتشر شده است. با توجه به اینکه اطلاعیه حزب کمونیست کارگری اسماعیل مولودی را نویسنده اتهامات نوید بشارت نامیده است، این اعضا نیز متعاقباً خواهان اخراج ایشان از شورای مرکزی سازمان آزادی زن شدند. این دوستان نوشته‌اند که مورد اهانت قرار گرفته

## رابطه فقر مضاعف زنان با تبعیض جنسی!



گزارش می‌خوانید، هرچا مردان خانه را اداره می‌کنند، پول کمتری صرف بهداشت و خوراک خانواده و کودکان می‌شود. یونیسف همچنین خاطر نشان می‌کند که وضعیت زنان در خانواده‌ها، مشابه با جهان سیاست است. نتایج این تحقیقات فقط برای دستیابی به یک سری اعداد و ارقام و دست آخر ابلاغیه‌های نصیحت گونه این سازمانها به دولتهایی است که توسط

بر اساس آخرین گزارش یونیسف در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۶ که نتیجه تحقیق در میان ۳۰ کشور جهان می‌باشد، رابطه بین فقر، فلاکت و نابرابری میان زن و مرد مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این گزارش، برابری زن و مرد را یکی از ضرورت‌های کاهش فقر و بهبود وضعیت کودکان در کشورهای در حال توسعه ارزیابی کرده است. همچنین در این

عمل و اختیارات گسترده اعضا شورای مرکزی در تعیین جهتگیری خود است. از این رو هر عضو شورای مرکزی سازمان آزادی زن می‌تواند خواهان تشکیل جلسه برای رسیدگی به موضوع مورد نظرش باشد و رئیس و دبیر اجرایی سازمان باید بتوانند به این خواست مشروع جواب داده و آنرا در دستور جلسه شورا قرار دهند. اما آنچه که در این نامه‌ها بیش از هر چیزی مورد توجه است این است که اتفاق مورد نظر این دوستان در یک حزب سیاسی اتفاق افتاده است (خود من عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری هستم) و کشاندن این موضوع به سازمان آزادی زن می‌تواند بلافاصله این سوال را مطرح کند که چرا این مباحث به سازمان آزادی زن کشیده شده است؟ چرا موضع حزب کمونیست کارگری در قبال یکی از اعضای مرکزی خود باید به اقدام مشابهی در سازمان آزادی زن منجر شود؟ سازمان آزادی زن یک ارگان در جنبش آزادی و رهایی انسان است. بر همگان روشن است که بسیاری از اعضا و فعالین این سازمان اعضای حزب کمونیست

ادامه در صفحه ۳

ادامه در صفحه ۳



اسماعیل لویجی  
 نویسنده  
 هنرمندان نشریه آزادی زن

## کژال از مریوان

## همه با هم علیه خودسوزی و قتل زنان

در اقدامی برای رهایی از رنج، دختری نفت را بر سر و روی خود می ریزد. تردید نمی‌کند و در یک لحظه کبریت می‌کشد، گر می‌گیرد و از سوزش آتش تمام وجودش مجاله می‌شود. او می‌پندارد به این وسیله به دردها، رنجها و محرومیت خود پایان داده است.

خودکشی فریادی است برای کمک که از گلوئی انسانی برمی‌خیزد. خودکشی پیش از آن که استقبال از مرگ باشد گریز از واقعیت‌های زندگی است. خودکشی مرگ یک انسان نیست بلکه مرگ دردناک یک زندگی است. پایان زندگی زانی است که پس از سالها صبر و انتظار در سیاهی‌ها و تلخیهای زندگی جز خودکشی راه دیگری برای رهایی نمی‌یابد.

با سلام و درود بر تک تک شما. من از طرف نیمی از مردم جامعه، که جنس دوم و شهروند درجه چند به حساب می‌آیند و مورد بدترین نوع آزار و خشونت قرار می‌گیرند، با شما سخن می‌گویم. زن این موجود مظلوم که به نام ناموس به تملک کامل مردان درمی‌آید و با زنجیر پوسیده و کتیف سنتها به بردگی کشیده می‌شود و در عصر سرمایه داری و تکنولوژی پیشرفته نیز از برده خانگی تبدیل به برده جنسی می‌شود و در بازار پر رونق تجارت جنسی خرید و فروش می‌شود.

زنان در ایران مورد بدترین شکل خشونت و آزار جسمی، روانی، جنسی و قتل و کشتار قرار می‌گیرند. من از این قسمت دنیا یعنی کردستان می‌خواهم فریاد بزنم و صدای زنان در آتش سوخته و قطعه قطعه شده را به گوش شما برسانم.

زینب از خانه فرار می‌کند، بعد از چند ماه او را بافته و با چاقو می‌کشند. دلبر ۱۷ ساله را سر می‌برند. شهین و خورشید را بیهوش کرده و آتش می‌زنند. سمیره اول توسط شبخی کتیف مورد تجاوز قرار می‌گیرد و بعد

توسط خانواده خفه می‌شود. مژگان به علت شکنجه شوهر خود را آتش می‌زند. مستوره به علت فقر خودش را می‌سوزاند. سحر ۱۳ ساله به علت فشار نامادری و پدر خودش را می‌کشد. ثانیه خود را می‌سوزاند چون همسرش زن دیگری اختیار کرده و شکوفه نیز برای فرار از ازدواج اجباری و سحر ۱۲ ساله به علت فقر مفرط خود را می‌کشد. مانده به علت فشار برادر خودش را دار می‌زند. پروین که ناراحتی کلیه دارد و فرزانه به علت فشار شوهر خود را آتش می‌زند. پروین دیگری نوعروس است و حامله در اثر مشکلات خانوادگی جان دردمند را به آتش می‌کشد. سنور به علت کتک با نود درصد سوختگی می‌میرد.

می‌دانم خسته شدید و می‌دانم آزاری که می‌فرستم درد آور است. مرا ببخشید. این فقط گوشه کوچکی از درد و رنج ما زنان است. می‌دانید بر سر جنایتکارانی که باعث این قتلها و خودسوزیها می‌شوند چه می‌آید؟ یا اصلا به جرمی متهم نمی‌شوند و با بخاطر دفاع از ناموس آزاد می‌شوند.

اینها واقعیات زندگی زنان در ایران و به خصوص کردستان و غرب کشور است. در بیمارستانها هر روز شاهد جنازه قربانیان قتلهای ناموسی و خودسوزی و فریاد جگرسوز زنان و دختران سوخته و رنجوری هستیم که در حصار تنگ و خاموش با چهره و بدن مجاله شده مرگ را لحظه شماری می‌کنند. قربانیانی که از ابتدایی‌ترین حقوق خود یعنی دوست داشتن و انتخاب همسر و از حق طلاق، نگه داری فرزند، کار کردن و مسافرت بی‌بهره اند. در ارث و شهادت نصف مردند، به راحتی شلاق می‌خورند، سنگسار و اعدام می‌شوند و قانون مجوز برای کشتنشان صادر کرده است. اگر به سختی موفق به گرفتن

طلاق شوند مورد نفرت و سرزنش خانواده و جامعه هستند. اگر برای تعرض علیه وضعیت موجود از خانه بیرون بزنند یا کشته می‌شوند یا بیکار، بی‌پناه و بی‌خانمان در کوچه پس کوچه‌های شهرهای بزرگ به تن فروشی و اعتیاد رو می‌آورند و جذب باندهای قاچاق انسان شده و خرید و فروش می‌شوند. عاقبت نیز چاره‌ای جز خودکشی و یا یخ زدن در یک گوشه شهر در شبی سرد و زمستانی ندارند.

از طرف تمام زنان دردمند ایران از شما و همه نهادها و سازمانهای بشردوست و تشکلهای زنان آزادی خواه می‌خواهم در کمپینی علیه خودسوزی و قتلهای ناموسی دست یاری به سوی ما دراز کنید. ما خواستار ایجاد کمپینی هستیم با خواسته‌های مشخص علیه زن کشی. فراخوان ما را برای ریشه یابی و ارائه راهکار، توانمند سازی زنان، آشنائی‌شان به حق و حقوق خود و راه اندازی یک سایت و کمپین به گوش جهان برسانید. **خواسته های ما:**

- ۱- تغییر قوانین تبعیض آمیز و ایجاد شرایط قانونی برابر با مردان
- ۲- ممنوع کردن شکنجه، قتل و کشتار زنان تحت هر نام و اتهامی
- ۳- مجازات عادلانه کشتار و تجاوز به زنان
- ۴- تامین نیازهای اقتصادی و ایجاد امکانات شغلی و رفاهی و بیمه زنان
- ۵- ایجاد خانه ها و مراکز امن و همچنین مراکز مشاوره رایگان برای پناه دادن زنان به جان آمده و تحت ستم.

اسامی مقتولین ناموسی و خودسوزیها در منطقه مریوان از نیمه ۸۳ تاکنون،

## تا آنجا که من خبر دارم:

- ۱- مستوره هشتبازی ۲۰ ساله، فقر مالی و فشار روانی ۲- پروین محمدی ۲۷ ساله، اختلاف خانوادگی ۳- مژگان کریمی جدائی از فرزندان بعد از طلاق ۴- فرزانه ۱۷ ساله، انزیت و آزار خانواده شوهر ۵- ثویبه زونینه ۲۱ ساله، یک فرزند، فقر مالی ۶- سحر ۱۳ ساله، فقر مالی ۷- شهلا ۱۴ ساله، فشار نامادری ۸- سروه تاب دارای ۲ فرزند، اختلاف با همسر ۹- صغرا تبر خون، نامعلوم ۱۰- سروه شمسواری، اختلاف خانوادگی ۱۱- آمنه شمسواری، نامعلوم، ۱۲- گونا محمد نژاد، نصیفة قادری و سحر کریمی، فشار خانوادگی ۱۳- سنور بابه، انزیت و آزار عمو و زن عمو، ۱۴- شکوفه ازکات، فرار از ازدواج اجباری ۱۵- چیمین فرزند مختار، ارتباط تلفنی با دوست پسرش ۱۶- پروین قادری ۲۰ ساله، حامله، انزیت و آزار شوهر ۱۷- نگار

انفرادی ۱۶ ساله، اختلافات شدید خانوادگی ۱۸- سروه نیک روش ۱۷ ساله، نامعلوم ۱۹- سمیه ۱۸ ساله، فقر مالی ۲۰- مائده عثمانپور، ۱۷ ساله، بی توجهی خانواده ۲۱- آمنه ۵۰ ساله، بی توجهی خانواده.

## اسامی کشته شدگان به دست پدر، شوهر یا برادر:

- ۱- زینب، به دست پدر و برادر با ضربات چاقو ۲- دلبر ۱۷ ساله، به دست برادر ۳- ثریا، چهار فرزند، به دست شوهر با تیر ۴- شهین همسر جمال، به دست شوهر معتادش آتش زده می‌شود ۵- خورشید همسر مختار، به دست شوهر ۶- هنار توسط برادران از کوه پرت می‌شود ۷- فاطمه به دست شوهر با چاقو

طبق آمار منتشر شده از طرف مراکز دولتی در ایلام سالانه از چهارصد مورد خودسوزی، سیصد مورد زنان و دختران هستند. پاییز ۸۵ مریوان

خلاصه شده توسط نشریه آزادی زن

## پیش به سوی آزادی زن!

**جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!**  
**با ما ارتباط بگیرید.**  
**نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.**  
**شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.**  
**اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.**  
**جمع های خود را گسترش دهید.**  
**از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.**  
**در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو باید گردد. شکرکت کنید.**  
**دوستان و آشنایانتان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.**

ادامه

در دفاع از اصول ...

از صفحه ۱

ادامه

## رابطه فقر مضاعف زنان با ...

از صفحه ۱

جنسیتی و در کلیت آن یعنی "لغو آپارتاید جنسی" تلاش می‌کنم و این نابرابری را فقط در سطوح نابرابریهای اقتصادی آن تعریف نمی‌کنم. باید ایدئولوژی زن ستیز و ارتجایی حاکم بر جوامع

کودک خیابانی و ایدز از ابعاد گسترده تری بر خوردار می‌گردد. نباید فراموش کرد که امروزه فقط بخشی از تساوی حقوق زن و مرد در جهان غرب عملی شده است

سرمایه داران بزرگ جهان اداره می‌شوند و همچنین پر کردن صفحات روزنامه‌ها است. این گزارشات چند پهلو که خود نماینده نسبت فرهنگی در نظم نوین جهان است کدام مشکل مردم گرسنه جهان را حل می‌کند؟ کدام انسان به ویژه کدام زن در اعماق وجودش، خواهان پاره کردن این زنجیرهای اسارتبار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی نیست؟ باید این گزارش را خواند تا به عمق تضاد بین کار و سرمایه پی برد. هر انسان گرسنه خودش بهتر از دیگران از شکم گرسنه خود و فرزندان خود خیر دارد. این یک ویژگی زنانه نیست هر چند که در اثر نابرابری جنستی زن و مرد، ستمی مضاعف بر زن را تحمیل کند. این گونه شوگرها در جهت نجات سرمایه داری جهانی و جذب نیروی کار ارزان زنان برای نجات طبقه حاکم است. و بر اساس همین مناسبات است که علیرغم وجود میلیونها زن شاغل در ایران، شکاف طبقاتی هر روز افزایش یافته و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن از جمله فقر، فحشاء، اعتیاد، کلیه فروشی،

که علتش تداوم مبارزه میلیونها انسان با برده داری، سرمایه داری و مذهب بوده است. از اینرو من به عنوان یکی از فعالین سازمان آزادی زن و مدافع آزادی و برابری کامل زن و مرد، در جهت لغو تمامی قید و بندهای

مردسالار را که در بیشتر مواقع از حکومت‌های مذهبی ناشی می‌شود، زیر ضرب برد. باید خط و خطوط را مشخص کرد و حول مبارزه با آپارتاید جنسی جمع شد. از نظر من این مبارزه بخشی از کل مبارزه ای است که باید در جهت رهایی زن به خصوص در جوامع اسلامزده، صورت بگیرد و تا آنجا که به جنبش



زنان در ایران برمی‌گردد، بزودی مقاله ای تحلیلی از رئیس سازمان آزادی زن در همین نشریه درج خواهد شد، که تفاوت راهکارهای جنبش آزادی زن را با جنبش زنان مورد بررسی قرار داده است.

### آدرس پستی

PO Box 42300  
London N12 0WY  
UK  
به ما کمک مالی کنید

Lloyds Bank  
Account: 0972959  
Sort code: 30-99-  
86  
369Green Lanes  
Palmer's Green  
London N13 4JH  
UK

### بمناسبت شب یلدا



سیاسی نیست. عضویت در آن برای هرکسی با هر عقیده ای که دارد مادام که خواهان پایان بخشیدن به بردگی جنسی زنان است آزاد است. باید متوجه بود که عضویت افراد را نمی‌توان به خاطر تعلقات سیاسی و ایدئولوژیک آنها در سازمان آزادی زن مورد سوال قرار داد. تلاش ما این است که مناسب ترین شرایط را برای فعالیت آزادانه و داوطلبانه اعضا خود فراهم آوریم. احساس امنیت و آرامش سیاسی یکی از این شرایط است. اما توصیه من به این اعضای شورای مرکزی این است که درخواست خود را باید مبتنی بر مقررات و ضوابط حاکم بر سازمان آزادی زن تنظیم و ارائه می‌کردند. ما مجاز نیستیم عضوی که مقررات این سازمان نقض نکرده است را از عضویت در سازمان محروم کنیم. درخواست این اعضا به نوعی تلاش برای حذف حق فعالیت عضو مورد نظر در سازمانهایی مانند سازمان آزادی زن است. درخواست این اعضا درخواستی برای محروم کردن از فعالیت اجتماعی است. از نقطه نظر من دادگاه‌ها محل رسیدگی به جرائم اجتماعی هستند و تنها آنها حق دارند که چنین حقی را از کسی بگیرند. اما اصل اول حتی دادگاههای امروزی در کشورهای پیشرفته بر برانت انسانهاست. من نه به دلیل شخصی بلکه به دلیل پرنسیپ‌های اعتقادیم هرگز نه حاضر به جمع کردن نشریه شماره ۱۴ و نه هر شماره دیگر نشریه آزادی زن هستم. رای من در شورای مرکزی آزادی زن زمانی که این مساله مورد بررسی واقع شود رای منفی به این درخواست خواهد بود. اما تلاش خواهم نمود که به عنوان سردبیر نشریه در این مورد میزگردی را سازمان دهم.

15 دسامبر 2006

# به سازمان آزادی زن بپیوندید

## سه سوال

## سه پاسخ

**خوانندگان گرامی** نشریه از طریق مصاحبه‌های کوتاه خوانندگان را با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن بیشتر آشنا می‌کند. نظر آنها در مورد مسائلی از قبیل آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، مخالفت با دیکتاتوری، آپارتاید جنسی و ... بر کسی پوشیده نیست. اما بد نیست بدانیم در مورد مسائل معمولی و روزانه چه اندیشه‌های دارند و چگونه رفتار می‌کنند. در شماره گذشته پاسخ سه نفر از اعضاء شورای مرکزی ساز را ملاحظه کردید. اینک به تعدادی دیگری از پاسخها توجه کنید. نظرات و سوالات خود را برای ما بفرستید. سعی خواهیم کرد به آنها پاسخ دهیم. [esmail\\_owji@yahoo.com](mailto:esmail_owji@yahoo.com)

### حکم برائت حاجیه اسماعیلوند، جشن پیروزی انسانیت بر بربریت است!

را پس می‌گیرند، این نتیجه اعتراضات جهانی و تلاش های انسان های آرادخواه و بشر دوست است. سازمان آزادی زن این پیروزی را به حاجیه، خانواده او و کلیه انسان‌هایی که برای آزادی وی تلاش کردند، تبریک می‌گوید. امضای شما انسانهایی که هرگز حاجیه را ندیده بودید، در لیست جمع آوری امضاء علیه جمهوری اسلامی تبدیل به دریایی از خشم انسانی مردم مخالف عمل شنيع سنگسار شد. باید این پیروزی را جشن گرفت. باید به این مبارزه ادامه داد. باید این زن جوان و دیگر انسانهایی که در انتظار سنگسار بسر می‌برند را از زندانهای قرون وسطانی رژیم اسلامی آزاد کرد. باید در زندانها را شکست و زندانیان سیاسی را به جامعه برگرداند. این مبارزه ادامه خواهد یافت.

مرگ بر آپارتاید جنسی  
زنده باد آزادی زن  
13 آذر 85

[www.azadizan.com](http://www.azadizan.com)

رئیس سازمان آزادی زن  
آذر ماجدی

[azarmajedi@yahoo.com](mailto:azarmajedi@yahoo.com)

سر دبیر نشریه  
پروین کابلی

[parvinkaboli@yahoo.se](mailto:parvinkaboli@yahoo.se)

Tel: +46 707 744 02

دستیاران سردبیر  
نیاز قاندی  
اسماعیل اوجی

**آذر ماجدی:** درست منظورتان را متوجه نمی‌شوم. بنظرم دو مقوله بسیار بهم گره خورده اند. من به عشق افلاطونی اعتقادی ندارم. معمولاً در شرایط فرهنگی محدود که صحبت کردن از سکس تابو است خیلی وقتها به جای صحبت از سکس از عشق صحبت می‌شود.

**اسماعیل اوجی:** عشق بدون سکس فقط محبت است و اشتباهها به آن عشق گفته می‌شود. اصطلاح من عاشق فرزندم (یا تام کروز، جولیا ربرتس، ایران، زبان انگلیسی و غیره) هستم اشتباه است. سکس بدون محبت و دوستی هم یا تن فروشی یا رفع نیاز است. اصطلاح عشق کردن (با آدم تن فروش) هم اشتباه است. **عشق احساسی دوطرفه، همراه با محبت، دوستی و به ویژه سکس است.**

**مینا اهدی:** عشق واژه "مقدس و تاریخی" است که اول باید معنی بشود. من به عشق به معنی افلاطونی و به معنی درد آوری که در فرهنگ شرق زده وجود دارد، اعتقادی ندارم. ولی سکس به همراه علاقه به فرد را ترجیح می‌دهم. یعنی یک نوع رابطه بین سکس و علاقه برقرار می‌کنم، ضمن اینکه هیچ نوع رابطه‌ای را بر دیگری ترجیح نمی‌دهم. یعنی سکس بدون علاقه و بدون شناخت طرفین هم نه برایم تابو است و نه اینکه نوعی از سکس را به نوع دیگر ترجیح می‌دهم. این امر خصوصی افراد است و به فرد و لذت بردن او مربوط است و بس.

خواندم از ایزابل آنده بود. دو سال پیش تعدادی از رمان‌های او را خواندم. از نثرش و از شیوه داستان گویش خیلی خوشم می‌آید. رمان‌هایی که از او خواندم درباره شیلی است، هم جنبه تاریخی دارد، هم یک بعد سیاسی دارد و هم از مناسبات آدمها می‌نویسد.

**اسماعیل اوجی:** همیشه همزمان دو کتاب مطالعه می‌کنم. آخرین آنها یکی "بمب انداز" نوشته لیزا Liza مارکلوند (Marklund) این نویسنده سوئدی در قالب داستانهای جنائی از حقوق زنان دفاع می‌کند. دومی "قرائت قرآن غیر دینی" نوشته پروفیسور رضا ایروملو. این کتاب دیدی کاملاً متفاوت و غیر دینی نسبت به قرآن به دست می‌دهد. خواندن این کتاب را به همه آنهایی که حوصله این نوع کتابها را دارند توصیه می‌کنم.

**مینا اهدی:** کتابی از نجلا کله ک، یک زن ساکن آلمان است که برای حقوق زنان و بر علیه ازدواج اجباری مبارزه می‌کند و در آلمان سر و صدای زیادی کرده است. عروس بیگانه اسم این کتاب است و نجلا سعی کرده خیلی مفصل در مورد کودکی خودش، زندگی در ترکیه، فرهنگ و مناسبات در آنجا و سپس سفر به آلمان صحبت کند. کتاب در نقد توتلرانس با جریانات اسلامی و نقد سیاست دولت آلمان در مورد انتگراسیون است

۳- رابطه عشق و سکس را چگونه می‌بینید؟

۱- اوقات فراغتتان را چگونه می‌گذرانید؟

**آذر ماجدی:** اگر بگویم که من اوقات فراغت زیادی ندارم ممکن است فکر کنید اغراق می‌کنم. من به پیاده روی علاقه دارم و تلاش می‌کنم که وقتی به پیاده روی در برنامه هفتگی ام اختصاص دهم. صحبت با دوستان که بیشتر تلفنی است، وقت گذراندن با بچه‌ها. کتاب خواندن را دوست دارم که اکنون مدتی است نرسیده ام کتاب جدیدی بخوانم. موسیقی و سفر را هم خیلی دوست دارم.

**اسماعیل اوجی:** اگر اوقات فراغتی پیدا کنم، کتاب می‌خوانم، به تلویزیون نگاه می‌کنم، به دیدن فامیل و دوستان می‌روم، گاهی به کنسرت و تئاتر می‌روم. در مورد خواندن کتاب، حتی اگر اوقات فراغتی هم نباشد بازهم از فرصت‌های کوچک برای خواندن استفاده می‌کنم. البته فعالیت‌هایی مثل فعالیت در سازمان آزادی زن را فعالیت اوقات فراغت حساب نمی‌کنم.

**مینا اهدی:** اوقات فراغت زیادی ندارم. ولی هر وقت هایم به پیش می‌آید یا با بچه سینما می‌روم، یا تلویزیون نگاه می‌کنم و یا روزنامه‌ها را می‌خوانم و با می‌خواهم.

۲- نام آخرین کتابی که خوانده اید چیست؟ مقداری در مورد آن توضیح دهید!

**آذر ماجدی:** همانطور که گفتیم مدتی است کتاب نخواندم. آخرین کتابی که